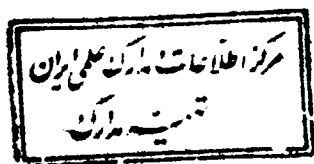


اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۰ / ۲۱ / ۱۳۷۹



وزارت فرهنگ و آموزش عالی

دانشگاه قم

دانشکده علوم انسانی

موضوع:

اهمّ اندیشه‌های کلامی ملا فتح‌الله کاشانی در تفسیر منهج الصادقین

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین علی محامد

۵۵۰۱

استاد مشاور:

حجة الاسلام و المسلمین جعفر شانظری

علی اصغر کریمی

۲۷۷۷۱

تقدیم به:

پدرم: که زحمات ایّامش جسم را پروراند و عبادت‌های شبانه‌اش روح را به عشق و نیاز رهنمون شد. در خانقاه شریعت، پیر طریقتم بود و در محراب عبادت، امام جماعتم، و معجم تعالیم حکیمانه‌اش کلید حل مشکلاتم خواهد بود.

مادرم: که زلال محبّت را در وجودم جاری ساخت، با مهربانی‌هایش گرمی بخش زندگیم شد و نور ایمان و سیادتش روشنی راهم است.

با تقدیر و تشکر از:

استاد محترم راهنما حاج آقا علی محامد، استاد محترم مشاور حاج آقا جعفر شانظری، اعضای محترم گروه فلسفه و حکمت اسلامی، استاد محمدرضا فخر روحانی، مسؤولین محترم کتابخانه، کارکنان ارجمند اداره تحصیلات تکمیلی دانشگاه و نیز دوستانی که در تهیه این پایان نامه در حد امکان نگارنده را مورد لطف و عنایت خویش قرار داده و از بذل هیچ کمکی در این راه دریغ نورزیدند.

الف	فهرست مطالب
د	پیشگفتار
هـ	زندگی نامه ملا فتح الله کاشانی
و	چکیده

بخش اول: خداشناسی

فصل اول: صفات خدا

۲	۱) مقدمه
۲	۲) اثبات وجود حق تعالی
۴	۳) توحید
۵	۴) توحید و براهین آن در تفسیر منهج الصادقین
۶	۴-۱) برهان اول
۶	۴-۲) برهان دوم
۷	۴-۳) الله
۸	۵) بررسی اوصاف الهی
۱۰	۶) صفات ثبوتی و سلبی
۱۰	۷) صفات ثبوتی
۱۰	۷-۱) علم
۱۰	۷-۲) قدرت
۱۲	۷-۳) حی
۱۳	۷-۴) سمیع - بصیر
۱۵	۷-۵) غنی
۱۷	۷-۶) دیگر صفات ثبوتی خدا
۱۹	۸) صفات سلبی
۱۹	۸-۱) نفی جسمانیت
۲۰	۸-۲) نفی قبیح و اراده قبیح
۲۱	۸-۳) نفی رؤیت
۲۲	۸-۴) نفی ولد

۲۳ ۵-۸ نفی مکان
۲۴ ۶-۸ نفی تکلیف ما لایطاق
۲۵ ۷-۸ نفی اراده کفر و شرک
۲۷ (۹) عبادت
فصل دوم: افعال خدا	
۲۹ (۱) حسن و قبح
۳۰ (۲) جبر و اختیار
۳۲ ۱-۲ برخی آراء اهل جبر و نقد آنها
۳۳ (۳) نفی ظلم
۳۴ (۴) اسم غیر از مسمی است
۳۶ (۵) نفی بدا
۳۸ چکیده بخش اول

بخش دوم: نبوت

۴۰ (۱) نبوت
۴۲ (۲) عصمت
۴۷ (۳) ایمان آباء انبیاء
۴۸ (۴) دوری انبیاء از عیوب خلقیه و خلقیه
۴۸ (۵) حضرت محمد ﷺ
۵۴ (۶) ختم نبوت
۵۶ (۷) معجزه
۶۱ (۸) قرآن
۶۸ چکیده بخش دوم

بخش سوم: امامت

۷۰ (۱) امامت
۷۱ ۱-۱ دلایل عقلی بر ضرورت امامت
۷۳ ۲-۱ شرایط امامت

۷۵	۲) فرق امامت و پیامبری
۷۶	۳) نصر امام
۷۸	۴) امام اول
۸۳	۵) امامت حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۸۹	۶) امامت فرزندان علی <small>علیه السلام</small>
۹۱	۷) مناقب حضرت علی <small>علیه السلام</small> و حضرت فاطمه <small>سلام الله علیها</small>
۹۶	۸) امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small>
۱۰۱	چکیده بخش سوم

بخش چهارم: معاد

۱۰۳	۱) معاد
۱۰۷	۲) ایمان
۱۱۰	۱-۲ ایمان و اسلام
۱۱۱	۲-۲ ایمان و عمل صالح
۱۱۲	۲-۳ زیادت و نقصان ایمان
۱۱۴	۲-۴ ایمان و اختیار
۱۱۴	۳) احباط و تکفیر
۱۱۶	۴) توبه
۱۱۹	۵) شفاعت
۱۲۱	۶) امر به معروف و نهی از منکر
۱۲۳	چکیده بخش چهارم
۱۲۴	چکیده انگلیسی
۱۲۶	منابع کتاب

پیشگفتار

اجتماعات انسانی همیشه بر اثر عوامل مختلف دچار تحولات و تغییرات گوناگونی در عرصه‌های مختلف زندگی می‌باشند. این عوامل که سبب تغییر می‌شوند یا از ناحیه خود انسانها می‌باشد مانند جنگ، نابودی منابع... و یا عواملی طبیعی هستند که در بیشتر موارد خارج از حیطه قدرت آنها است چنانچه یک سیل یا زلزله یا آتشفشان سبب تجمع یا تفریق جمعیت نواحی مختلف می‌شود. اما انسان با تکیه بر تجارب و علومی که در طی زمان کسب کرده در صدد جلوگیری از عوامل مذکور برآمده و البته این عوامل هم سبب ایجاد تغییر در دانش بشری می‌شوند چنانچه در هر عصری بنا بر شرایط حاکم، توجه به برخی دانشها بیشتر یا کمتر می‌گردد. لذا هر علمی در برخی از دوره‌ها به اوج می‌رسد یا در برخی زمانها از شکوفایی و رشد برخوردار نیست و چه بسا راه انحطاط پیش می‌گیرد. بهمین دلیل آگاهی از تاریخ هر علمی در درک بهتر و بیشتر آن علم در عصر حاضر به ما یاری می‌رساند.

علم کلام نیز از این قاعده مستثنی نیست و گاهی رو به تکامل و پیشرفت بوده و زمانی ساکن مانده یا دچار مشکلات و مسایلی گردیده که سبب می‌شد تا برای حفظ و بقای آن اقدامات مؤثری توسط متکلمین انجام گردد. ما نیز برای دسته‌بندی گوشه‌ای از تاریخ این علم قصد کردیم تا آنچه توسط مآلای فتح‌الله کاشانی در تفسیر منهج الصادقین از مباحث کلامی آمده که البته بیانگر کیفیت این علم در آن عصر نیز بوده است، را دسته‌بندی کنیم تا برای طالبان این علم بطور منظم و مرتب آماده گردد و ایشان از مراجعه به کل مجلدات دهگانه این تفسیر برای آگاهی از اهم اندیشه‌های کلامی مآلای فتح‌الله کاشانی بی‌نیاز گردند و بتوانند در کوتاهترین زمان همان نتیجه را با مطالعه این تحقیق بدست آورند.

در این نوشتار سعی شده تا نظرات کلامی ایشان با استناد به گفته‌هایشان در تفسیر بیان گردد. سپس با بیان نظر مشهور شیعه در همان مورد، در عین حال که نظر دو طرف معین می‌شود مقایسه‌ای نیز بین آنها بعمل می‌آید و با اطلاع از نظر و رأی دو طرف، وضعیت نگرش کلامی در هر مورد خاص در زمان نگارش این تفسیر معین می‌گردد.

نکته آخری که بیان آن بنظر لازم می‌آید آن است که اهم اندیشه‌های کلامی در این تفسیر و نیز آراء مشهور شیعه در آن موارد جمع‌آوری و مورد بررسی قرار می‌گیرند و از مطالب جزئی پرهیز شده است. امیدواریم که ادامه تحقیق و پژوهش توسط دیگر علاقمندان و دانش پژوهان به مرحله تکمیل برسد و تمام آراء کلامی مآلای فتح‌الله کاشانی گردآوری و دسته‌بندی گردد.

علی اصغر کریمی

بهار ۱۳۷۸ ش

زندگی نامه ملا فتح الله کاشانی

ملا فتح الله بن شکرالله عالمی است جلیل و فقیه و محقق و متکلم و مدقق و مفسر و متبحر از اکابر علمای اواخر قرن دهم هجرت از تلامذه علی بن حسن زواری و به واسطه او از محقق کرکی روایت می‌کند و در تمامی علوم دینیه متداوله متبحر بود خصوصاً در تفسیر که بحری بود: بی پایان و تألیفات طریقه او بهترین معرف تبحر وی می‌باشد.

- ۱- ترجمه احتجاج طبرسی که ذیلاً به نام کشف الاحتجاج مذکور است.
- ۲- ترجمه قرآن به فارسی و آن غیر از سه فقره تفسیر قرآن مذکور در ذیل است.
- ۳- تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين که شرح فارسی نهج البلاغه است و در ایران چاپ شده است.
- ۴- خلاصة النهج که ملخص تفسیر منهج الصادقین مذکور در ذیل است و در ایران چاپ شده است.

۵- زبدة التناسیر که تفسیر قرآن مجید است به عربی که بعد از آن تفسیر فارسی منهج و خلاصة المنهج را تألیف کرد و اخبار اهل بیت عصمت را حاوی است و اغلب از کشاف و تفسیر بیضاوی و جوامع طبری نقل می‌کند.

۶- کشف الاحتجاج که ترجمه فارسی احتجاج طبرسی است و برای شاه طهماسب صفوی تألیف شده و یک نسخه خطی از آن در خزانه شیخ صفی از شهر اردبیل آذربایجان به نظر میرزا عبدالله افندی صاحب ریاض العلماء رسیده است.

۷- منهج الصادقین فی الزام المخالفین که تفسیر بزرگی است به فارسی و در تبریز و تهران چاپ شده است.

در سال ۹۸۸ هجرت وفات یافته و در ماده تاریخ او گفته اند:

مفتی دین مستین، کاشف قرآن مبین

قدوة اهل فقاہت که به مصباح دروس

همه را بود به ارشاد به حق راهنما

فتی را چه ملاذی به جز آن قدوه نبود بهر تاریخ نوشتند (ملاذ الفقهاء - ۹۸۸).^(۱)

۱- مستین دین مستین، کاشف قرآن مبین، ج ۳۸ - نشرات مجلس شورای ملی - تهران - ۱۳۳۶ - ص ۱۸۵

چکیده

در این پایان نامه مهم ترین اندیشه های کلامی ملا فتح الله کاشانی با توجه به آنچه در تفسیر منهج الصادقین نوشته اند جمع آوری گردیده است. مطالعه آراء ایشان، بیانگر جو حاکم بر علم کلام در عصر ایشان می باشد. نظر ایشان در بسیاری موارد مطابق و موافق با نظر شیعه می باشد و جز در موارد معدودی نظری بر خلاف شیعه ندارند. در خداشناسی ایشان اثبات وجود خداوند و توحید ذات اقدس الهی می نمایند و نیز اوصاف الهی را تحت دو عنوان، صفاتی که منتسب به ذات خداوند هستند و صفاتی که از ذات حق نفی می شوند، بیان می دارند. انسان را موجودی مختار می دانند و دلایلی بر این امر ارایه می کنند. در بحث نبوت، عصمت انبیاء را شرط لازم رسالت آنها می دانند و در نبوت حضرت محمد ص بیان می دارند که نبوت آن حضرت پایان بخش نبوتها می باشد و به علت تکمیل بودن تعالیم اسلام، نیازی به ارسال پیامبر و دین جدیدی نمی باشد. قرآن را نیز معجزه جاوید اسلام و پیامبر اکرم ص دانسته و دلایل اعجاز آن را برمی شمارند. در امامت پس از بیان دلایل لزوم امامت و شرایط آن با دلایل متعدد ثابت می کنند که نص امام از جانب خدا یا پیامبر ص یا امامان سابق می باشد و امامت بلافصل پس از رحلت رسول ص از آن حضرت علی بن ابیطالب ع و پس از ایشان، از آن فرزندان ایشان می باشد تا حضرت مهدی ع عجل الله تعالی فرجه الشریف ع که اکنون غایب از انظار می باشند و در زمانی معین که جز خدا کسی نمی داند ظهور می کنند و جهان را پر از عدل خواهند نمود. با دلایلی معاد را ثابت می نمایند و در باب ایمان، آن را جدا از اسلام دانسته و ارکان آن را تصدیق قلبی و اقرار زبانی می دانند. اما عمل را جزو ارکان ایمان نمی دانند و نیز زیادت و نقصان آن را نمی پذیرند. به نظر ایشان اعمال انسان اگر دارای شرایط قبول باشد دچار احباط نمی شود. توبه را اگر با شرایط همراه باشد سبب نجات انسان از عقوبت می داند. به نظر ایشان خداوند به بندگان خاص خود اجازه شناخت داده تا آنها برخی دیگر را از عقوبت رهایی دهند. امر به معروف و نهی از منکر را نیز واجب عینی دانسته است. و این اهم اندیشه های کلامی ملا فتح الله کاشانی است که بیان کردیم و چکیده این پایان نامه حاضر می باشد.

کلید واژه ها

کلام (علم کلام)	امامت	توبه	امر به معروف و نهی از منکر
ذات	معاد	شناخت	منکر
توحید	احباط	واجب عینی	ظهور (امام زمان <small>ع</small> عجل الله تعالی فرجه الشریف <small>ع</small>)
نبوت	رسالت	متکلم	معاد (فرجه الشریف <small>ع</small>)

بخش اول: خداشناسی

فصل اول: صفات خدا

مقدمه

اثبات وجود حق تعالی

توحید

توحید و براهین آن در تفسیر منهج الصادقین

برهان اول

برهان دوم

الله

بررسی اوصاف الهی

صفات ثبوتی و سلبی

صفات ثبوتی

علم

قدرت

حی

سمیع - بصیر

غنی

دیگر صفات ثبوتی خدا

صفات سلبیه

نفی جسمانیّت

نفی قبیح و اراده قبیح

نفی رؤیت

نفی ولد

نفی مکان

نفی تکلیف ما لایطاق

نفی اراده کفر و شرک

عبادت

فصل دوم: افعال خدا

حسن و قبیح

جبر و اختیار

برخی آراء اهل جبر و نقد آنها

نفی ظلم

اسم غیر از مسمی است

نفی بدا

چکیده بخش اول

خداشناسی

فصل اول - صفات خداوند

مقدمه:

در تدم ادیان به یک نکته مهم، توجه خاصی شده است. سبب این اهتمام وجود یک احساس عام و همدگانی در نوع بشر است و آن نکته عبارت است از: اثبات موجودی متعالی و ماوراء دنیای مادی که نقطه امید و اتکاء انسانهاست یعنی انسانها در مواقع نیاز به او رجوع می کنند و ما آن را (الله) می نامیم. انسانها در درون خود همواره یک نوع تمایل و گرایش به یک موجود برتر احساس می کنند که در صدد یافتن آن در عالم خارج برآمده اند. اما در راه رسیدن به این موجود راههای مختلفی پیمودند و به نتایج مختلفی رسیدند. برخی بت پرستیدند، برخی ماه و ستاره را پرستش کردند، برخی مادیات را اصل دانستند... ما پیروان ادیان، خدا را مصداق آن موجود متعالی و بلند مرتبه می دانیم. اگر چه می گوئیم هر کس در درون خود خدا را بهتر درک می کند و به وجودش اذعان دارد، اما اگر این درک حضوری به جلای عقلی متکی گردد قابل اطمینان تر بوده و وثوق بیشتری به آن حاصل می شود. در مطالبی که نقل خواهیم کرد سعی بر آن است که نظرات ملا فتح الله کاشانی در جلدهای دهگانه تفسیر کبیر منهج الصادقین در باب مهمترین مسایل کلامی به همراه نظر کلی شیعه بیان گردد تا هم نظرات دو طرف تبیین شده باشد و هم اتفاق یا اختلاف آراء آنها معین گردد و هم مطالب بطور منظم در اختیار علاقمندان قرار بگیرد تا از رجوع به خود تفسیر و جستجو در بین مطالب پراکنده برای یافتن آنچه در این نوشتار می آید، بی نیاز گردند. نخست ما مسأله اثبات خداوند تبارک و تعالی را از منظر مؤلف تفسیر مورد بررسی قرار می دهیم تا روش وی در این مسأله روشن گردد.

اثبات وجود حق تعالی

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾^(۱)

بدرستی که در آسمانها و آنچه در او است از صنوف عجایب و در آفرینش زمین و آنچه در او است از انواع غرایب و آمد و شد شب و روز، یا اختلاف ایشان در نور و ظلمت، یا نقصان و زیاده هر آینه نشانهاست بر وجود صانع و وحدت او و کمال علم و قدرت او مر خداوندان خرد را... و اقتصار بر خلق سماوات و ارض و اختلاف لیل و نهار جهت آن است که تغییر، مناط استدلال است و این امور در معرض

جمله انواع تغییرند: چه تغییر یا در ذات شیء است چون تفسیر لیل و نهار، یا در جزء شیء، چون تغییر عنصر به تبدیل صور آن، یا در خارج از شیء، چون تغییر افلاک به تبدیل اوضاع آن. و در مجمع آورده که وجه دلالت خلق «سماوات و ارض» بر وجود واجب الوجود لذاته و قدرت و علم او آن است که وجود هر دو متضمن اعراض حادثه‌اند و هر چه منک از حادث نیست حادث است و محدث را ناچار است از محدثی که احداث آن کند و موجودی که ایجاد آن نماید. پس وجود و حدوث این هر دو دال است بر آن که آنها را محدثی و قادری هست و ابداع آنها با آنچه در آن است از بدایع غریبه و امور جاریه بر غایت انتظام و اتساق دال است بر آن که مبدع آنها عالم بالذات است.

وجه دلالت بر تعاقب لیل و نهار آن است که مترادف آنها بر مقدار معلوم که زاید بر آن نمی‌شوند و ناقص از آن نمی‌گردند و نقصان هر یک از آنها در دیگری در زمان و زیادتی هر یک از آنها در دیگری در وقتی دیگر و ازدیاد احدها به نقصان دیگری دلالت ظاهر است بر آن که صانع آنها قادر و حکیم است. بریده اسلمی روایت کرده که رسول ﷺ فرمود: هیچ آیه بر شیاطین و جنیان چنان سخت نمود که این آیه^(۱).

﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَّبِعُوا ظِلَّالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ﴾

(نحل/ ۴۸) آیا ندیدید این کافران به آنچه آفریده است خدای از چیزی که می‌گردد سایه‌های ایشان سجده کنندگانند مر خدای را و حال آن که ایشان خوارانند.

صاحب مجمع در تفسیر این آیه گفته که آیا کفار که جاحد و حدانیت هستند، نمی‌نگرند به آنچه آفریده‌اند از شجر و جبل و نبات و غیر آن که سایه او می‌گردد از جانب یمین به شمال در حالتی که مطیع و فرمانبردار است خدای را بر وجه طبع، و معنی (تَبِئُوا ظِلَّال) از یمین به شمال، آن است که چون آفتاب طلوع کرد جمیع ظلال اشخاص بر جانب یمین است و چون به وسط السماء رسیده میل به جانب شمال می‌کند و مانند این آیت است کریمه «و ظلالهم بالغدو و الاصال» که مقصود از این آیه، تنبیه حق تعالی است بر آن که همه اشیاء متخضع‌اند و دلالت دارند بر وجوب وجود او سبحانه.^(۲)

البته ایشان در آیه ۲۲ سوره انبیاء بیان برهان می‌کند بر وجود حق تعالی همراه با دلالت بر توحید ذات مقدس حق. که ما برای جلوگیری از تکرار این آیه و شرح ایشان در ذیل این آیه، ان شاء الله آن را در بحث توحید بیان خواهیم نمود.

۱- ملا فتح الله کاشانی - تفسیر منهج الصادقین - تصحیح حاج میرزا ابوالحسن شعرانی - ج ۲ - کتاب تفسیر شی اسلامیة - تهران - ۱۳۴۴ - ص

۱۰-۴۰۹ (هر گاه از این به بعد تفسیر نوشته شود منظور تفسیر منهج الصادقین است.)

۲- تفسیر - ج ۵ - ص ۷-۱۹۶.

توحید

اولین بحث پس از اثبات واجب الوجود مسأله توحید حق تعالی است. زیرا از لوازم واجب الوجود بودن خداوند، همدان و حدانیت اوست. قبل از ورود در بحث، توضیح و تبیین کنید واژه این مسأله یعنی مفهوم «توحید» بطور دقیق و صحیح باید روشن شود.

کلمه «توحید» از نظر لغوی بر وزن «تفعیل» و مصدر است و ریشه اصلی آن (وَخَدَ) است از معانی باب تفعیل در لغت عرب یکی «کسی یا چیزی را به صفتی متصف دانستن است». لذا کلماتی چون تعظیم و تکریم به ترتیب به معنای (بزرگ دانستن) و (کریم و گرامی داشتن) است. با ملاحظه این موارد (توحید) نیز به معنای (یکی دانستن) و (یگانه شمردن) است.^(۱)

همانا خداوند عز و جل در الهیت و ازلیت واحد است و به هیچ شیء شباهت ندارد و جایز نیست هیچ شیء مثل او باشد همانا او در معبودیت یگانه است و در تمام این موارد، دومی برای او نیست.^(۲) فلاسفه و اهل کلام توحید را به چهار قسم تقسیم نموده‌اند: توحید در ذات، توحید در صفات، توحید در افعال، توحید در عبادت.

توحید در ذات: منظور از توحید در ذات این است که ذات خداوند یگانه و بسیط محض است و هیچگونه ترکیبی در آن راه ندارد. به عبارت دیگر ذات پروردگار متعال دارای هیچگونه جزئی نمی‌باشد.

توحید در صفات: این توحید یعنی صفات حق تعالی عین ذات اویند و خارج از ذات نمی‌باشند. به عبارت دیگر چنین نیست که ذات خداوند چیزی باشد و هر یک از صفات خداوند متعال چیزی جدای از ذات و جدای از یکدیگر باشند، بلکه وجوداً همه عین یکدیگر و عین ذاتند. پس صفات الهی عین ذات اویند. لذا جدایی این صفات از ذات حق تعالی مستلزم محال است. زیرا ذات و صفات وحدت دارند و دو چیز جداگانه نمی‌باشند. از این رو به قول فلاسفه، سلب ذاتی از ذات محال است.

توحید در افعال: منظور از توحید در افعال این است که خداوند تبارک و تعالی در هیچیک از افعال خود محتاج یار و یاور نیست و فاعل هر فعلی که از او سر می‌زند منحصرأ ذات واحد اوست، یعنی همانگونه که خداوند در ذات خود شریکی ندارد در فاعلیت نیز هیچگونه شریکی برای خداوند تبارک و تعالی وجود ندارد.^(۳)

۱- محسن غروین، محمدرضا غلامی، سید محمد حسین میرباقری - بحثی مبسوط در آموزش عقاید - جلد اول - مؤسسه انتشارات دارالعلم - قم - چاپ اول - ۱۳۷۱ - ص ۴-۸۲.

۲- شیخ مفیدین محمدبن نعمان - اوایل المقالات - مکتبه الداوری - قم - ص ۱۷.

۳- محسن غروین، محمدرضا غلامی، سید محمد حسین میرباقری - بحثی مبسوط در آموزش عقاید - جلد اول - مؤسسه انتشارات

توحید و براهین آن در تفسیر منهج الصادقین

پس از بیان معنی توحید و اقسام آن به تبیین نظرات ملا فتح الله کاشانی در باب توحید و براهین آن می پردازیم.

﴿وَالْهُكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾

و خدای شما ای عامه خلائق، که مستحق آن است که عبادت او کنید، معبودی است یکتا که هیچ شریکی در ذات و صفات ندارد. هیچ معبودی نیست مستحق عبادت مگر او که واحد است در ذات، و واحد است در صفات. این تقریر وحدانیت اوست و از احواله تو هم این تواند بود که الهی باشد که مستحق عبادت نباشد از ایشان. خدای شما که معبود یکتاست، یگانه بخشاینده است از تربیت اشباح، مهربان است بر تنویر ارواح. این در حکم حجت است بر وحدانیت، یعنی چونکه او مولی همه نعم است از اصول و فروع آن، و ماسوای او یا نعمت است و یا «مُنْعِمٌ عَلَيْهِ» پس احدی غیر او استحقاق عبادت نداشته باشد... و وحدانیت حق تعالی بر چهار وجه است: یکی آن که مثلی و کنوی ندارد. دوم آن که متحد است به الهیت و استحقاق عبادت. سوم آن که تجزیه و تبعیض بر وی روان نیست. چهارم در قدمیت ذات و صفات متفرد است و بدان که «لَا» در «لَا إِلَهَ» از برای نفی جنس است و نهی آن است که هر چه ادعای معبودیت او می کنند غیر از او، همه منفی است و او را صلاحیت الهیت و استحقاق عبادت نیست مگر او سبحانه را...^(۱)

در ادامه این آیه در تفسیر آیه ۱۵۹ می نویسد: این آیه متضمن ۷ دلیل بر وحدانیت حق تعالی است و بدین گونه بیان می دارد: «... استدلال به بحر و احوال آن و تخصیص فلک بذكر جهت آن است که سبب خوض است در آن و اطلاع بر عجایب آن که منتج قدرت و علم و وحدانیت خالق آن است و لهذا تقدیم آن فرموده بر ذکر مطر و سحاب... گویا استدلال کرده به نزول (مطر و کینونت) نبات و (بث) حیوانات در زمین بر وحدانیت خود... به درستی که در جمیع امور سبعه هر آینه علامات و نشانه هاست از صنایع و عجایب حکمت و بدایع فطرت بر وجود حضرت عزت و قدرت و علم و وحدانیت او (لتوم یعتلون) هر گروهی را که خرد دارند و نظر تشکر و تأمل بر آن می گمارند. پس معلوم شد که او سبحانه معبودی یکتا که غیر او سبحانه استحقاق عبادت ندارد.^(۲)

اکنون دو مورد از عبارت مؤلف را در خصوص باب توحید متعرض می شویم تا با نظرات و دیدگاههای او بهتر آشنا شویم.

۱- تفسیر- ج ۱- تخلص- ص ۸۱-۳۱۷.

دارالعلم- قم- چاپ اول- ۱۳۱۱- ص ۴-۸۲.

۲- تفسیر- ج ۱- تخلص- ص ۱۱-۳۷۷.